

جایگاه رفیع همسایه از دیدگاه اسلام (۱)

حضرت زهرا سلام الله علیها وقتی دست به دعا بر می‌داشتند، ابتدا برای همسایگان و سپس برای خود دعا می‌کردند. وقتی از حضرت پرسیدند چرا ابتدا همسایگان را دعا می‌کنید و سپس خود را، فرمودند: **الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ**. اول همسایه و سپس خانه. اول باید در فکر مشکلات و آسایش همسایه و نزدیکان و سپس در فکر خویشتن بود. دین شریف اسلام این گونه به انسان می‌آموزد که از خود میان بینی و خود محوری بیرون بیاید و فقط به فکر خویشتن نباشد، بلکه به فکر دیگران نیز باشد و بلکه بالاتر، آنها را بر خود مقدم بدارد.

در فرهنگ مدرن، انسان‌ها فقط به فکر خویش هستند. تربیت افراد، طوری است که برنامه ریزی‌اش فقط برای بالا رفتن خویشتن است، اگرچه انسان‌های بسیاری نیز زیر دست و پا له شوند. افراد هر کدام با پیش گرفتن خودمحوری، به رقابت و بلکه بالاتر، نزاع می‌پردازند و بر اساس تنازع بقاء، هر کدام که توانند دیگری را به هلاکت و نابودی و فقر و فلاکت می‌کشند تا خود به عنوان برنده میدان، خارج شوند. متأسفانه امروزه در نظام اسلامی نیز این تئوری به صورت مستقیم و غیر مستقیم تبلیغ می‌شود؛ به عنوان مثال سالهاست در برنامه های تلویزیونی، مستندی به نام «راز بقاء» پخش می‌شود. در این مستند حیوانات دائماً برای بقاء مشغول دریدن شکم یکدیگرند. بر این حیوانات اشکالی وارد نیست؛ زیرا اقتضای طبیعت آنها این است؛ نیش عقرب نه از ره کین است/ اقتضای طبیعتش این است. اما عنوان این مستند برای انسان دارای بدآموزی است؛ زیرا القا کننده این است که برای بقاء، باید نزاع نمود و شکم دیگران را درید. مطابق آموزه های غربی، انسان نیز نوعی حیوان پیشرفته است و غرایز بر او غلبه دارد و اتفاقاً چون پیشرفته است می‌تواند ابزار پیشرفته تری برای دریدن دیگران اختراع کند. در این تنازع، هر کس بخواهد بقاء پیدا کند باید قدرت بیشتری برای دریدن داشته باشد. در فرهنگ غرب، قطار توسعه باید به حرکت درآید و عده ای باید تنعم پیدا کنند تا بتوانند قطار توسعه را به حرکت در آورند، اگرچه عده ای زیر چرخهای توسعه له شوند. به نظر اینها چنین موردی کاملاً مطابق اقتضائات طبیعت است که یک عده از حیوانات برای بقاء باید حیوانات دیگری را بدرند. در نظر اینها مهم این است که شاخص‌های اقتصادی کشور رشد کند، اگرچه عده ای به فلاکت بیفتند.

در فرهنگ اسلام این چنین نیست، بلکه همهٔ انسانها باید با هم رشد کنند. هیچ کس حق ندارد برای بالا رفتن خود، دیگری را قربانی کند، دیگری را نردبان خود کند و سپس نردبان را بیندازد. بلکه بالعکس، انسانها مطابق فرهنگ ایثار و گذشت، دیگران را بر خود مقدم می‌کنند، از حق خود می‌گذرند تا دیگران در آسایش باشند.

در این میان، همسایه اهمیت بیشتری می‌یابد و سفارش بیشتری بر آن وجود دارد. تا جایی که پیامبر اکرم ص فرمودند: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤْذِي جَارَهُ»^۱ هر که به خدا و روز واپسین ایمان داشته باشد نباید همسایه خود را آزار دهد. همچنین امام رضا ع فرمودند: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَارَهُ بِوَأْتَقَهُ»^۲ از ما نیست کسی که همسایه اش از شر او در امان نباشد.

سفارشات دربارهٔ همسایه آنقدر زیاد است که انسان از آنها استشمام خویشاوندی می‌کند و گمان بر این می‌برد که همسایه نیز از حقوق خویشاوندی و حقوقی همانند صلۀ رحم برخوردار است. پیامبر اکرم ص دربارهٔ سفارش جبرئیل در حق همسایه روایت عجیبی دارند که: «مَا زَالَ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُوصِينِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورَّثُهُ»^۳ جبرئیل پیوسته مرادرباره همسایه سفارش می‌کرد تا جایی که گمان بردم بزودی او را ارث بر از همسایه اش خواهد کرد. همچنین فرمودند: «حُرْمَةُ الْجَارِ عَلَى الْإِنْسَانِ كَحُرْمَةِ أُمَّةٍ»^۴ احترام همسایه بر انسان، همانند احترام مادرش است.

انسان در آخرین لحظات عمر خویش معمولاً بر مهمترین امور خویش وصیت می‌کند. هرچه انسان مقام والاتری بیابد وصیت خویش را بر امور مهمتری قرار می‌دهد. حضرت امیر ع به عنوان بلند مرتبه ترین مخلوق هستی پس از پیامبر اکرم ص در آخرین لحظات خویش که باید وصیت‌هایی مهم را نه تنها به فرزندان خود، بلکه به تمام تاریخ داشته باشند، سفارش عجیبی به همسایه دارند: «اللَّهُ وَاللَّهُ فِي جِيرَانِكُمْ فَإِنَّهُمْ وَصِيَّةٌ نَبِيَّكُمْ ، مَا زَالَ يُوصِي بِهِمْ حَتَّى ظَنَنْتَا أَنَّهُ سَيُورَثُهُمْ»^۵ خدا را، خدا را درباره همسایگان، که آنان سفارش شده پیامبر شمايند ، و حضرتش صلی الله عليه و آله چندان درباره همسایگان سفارش کرد که گمان بردیم آنها را ارث بر قرار دهد.

^۱ الكافي : ج ۲، ص ۶۶۷، ح ۶

^۲ عيون أخبار الرضا : ج ۲، ص ۲۴، ح ۲ .

^۳ الأمالي للطوسي : ص ۵۲۰، ح ۱۱۴۵ .

^۴ مكارم الأخلاق : ص ۱۲۶

^۵ نهج البلاغه، نامه ۴۷